

مزایا و معایب قرارداد بای‌بک با تاکید بر تحریم های آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

بهزاد اخزری

دانشگاه علمی کاربردی واحد دهلران، گروه حقوق، کارشناس ارشد حقوق خصوصی

نام نویسنده مسئول:

بهزاد اخزری

چکیده

روش بیع متقابل در ایران به عنوان یک شیوه سرمایه گذاری غیر استقراری در واقع مدل اصلاح شده از بای‌بک در سایر کشورها است که متناسب با منافع و احتیاجات کشور و ایجاد انگیزه برای شرکت های نفتی خارجی برای آوردن سرمایه و تکنولوژی و دانش فنی خود به ایران مورد استفاده قرار گرفته است. جالب توجه اینکه قراردادهای یاد شده از بدو استفاده مورد نقد جدی و بحث و گفتگو در محافل و مجالس مختلف علمی، اقتصادی و حقوقی قرار گرفته و با همه انتقاداتی که بر آن وارد شده به لحاظ جایگاه قانونی ویژه آن، نسبتاً مقبولیت عام یافته است. در واقع بای‌بک یکی از شیوه‌های تجارت متقابل است که در زبان فارسی آن را خرید باز یافتی و باز خرید نیز ترجمه کرده‌اند. در معاملات بای‌بک از یک سو ماشین‌آلات، تجهیزات تولیدی یا یک کارخانه کامل از سوی یک عرضه‌کننده به کشور دیگری صادر می‌گردد و در مقابل، محصولاتی که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به‌وسیله همین تسهیلات تولید شده بابت تمام یا بخشی از بهاء این تسهیلات، در مدت زمان معینی دریافت می‌شود. در این مقاله برآنیم ضمن بررسی و تحلیل مفهومی قراردادهای بیع متقابل به بررسی مزایا و معایب و چالش‌های آن پرداخته شود و همچنین با توجه به وضعیت کشور و تاثیرات تحریم های آمریکا این نوع از قرارداد مورد واکاوی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرارداد بیع متقابل، تحریم های آمریکا، صنعت نفت، جذب سرمایه گذار خارجی.

مقدمه

در قرار داد بای بک که یکی از روشهای تجارت متقابل است، محصولاتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به وسیله همین تسهیلات تولید شده بابت تمام یا بخشی از بهاء این تسهیلات، در مدت زمان معینی دریافت می شود. به عبارت دیگر محصولات مورد تبادل در این شیوه از تجارت متقابل به نحوی به یکدیگر مربوط هستند.

از این رو، محدودیت حاصل از اصول ۴۴، ۸۰ و ۸۱ قانون اساسی و به تبع آن قوانین بودجه سالانه و قوانین برنامه پنج ساله توسعه و نیز قوانین نفت به ویژه قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ موجب شد تا در دهه اخیر، برای جلب سرمایه گذاری خارجی روش بیع متقابل به ویژه در بخش بالا دستی نفت و گاز برگزیده و استفاده شود. عوامل موثر در اتخاذ شیوه بیع متقابل از نقطه نظر داخلی یکی محدودیت ها و الزامات قانونی است و دیگری الزامات اقتصادی منبعث از قوانین بودجه ای کشور و برنامه های کلان اقتصادی، در بعد بین المللی نیز از تحولات مهم در نقاط مختلف جهان در عرصه نفت و ضرورت تعامل صحیح و سازنده با دنیای پیرامونی نباید غافل بود. نفت فقط یک عنصر اقتصادی نیست بلکه در جهان کنونی از آن به عنوان یک متغیر سیاسی بهره می برند. از سوی دیگر با تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و استقبال سرمایه گذاران خارجی از مزایای حمایتی این قانون، تلاش سرمایه گذاران خارجی و مشاوران داخلی آنان در جهت تلفیق مقررات بیع متقابل با پوشش های قانونی یاد شده و نیز امکان استفاده از سایر قراردادهای افق روشنی را در تامین مالی پروژه های بخش بالادستی و حتی پایین دستی صنعت نفت ایجاد نموده است. اصل خدشه ناپذیر منافع کشور و ضرورت اکتشاف و توسعه میادین و ذخایر نفت و گاز و توسعه پایدار و همه جانبه، ایجاب می نماید که با بررسی محدودیت ها و تنگناهای قانونی و اجرایی بیع متقابل به بحث پیرامون ماهیت حقوقی و قراردادی و جایگاه قانونی آن پرداخت. از سویی دیگر، قراردادهای نفتی ایران، دارای ایراداتی درون و برون قراردادی می باشد. این ایرادات از یک سو مانعی در راه جذب سرمایه گذاران خارجی گردیده و از سوی دیگر قراردادهای منعقد شده کشور را به دلیل ضعف های جنبه های مختلف قرارداد متحمل زیانهای فراوان نموده است. چرا که انعقاد یک قرارداد نفتی، از هر نوعی هم که باشد، تلاشی است در جهت هم راستا کردن منافع یک شرکت ملی نفتی داخلی و یک شرکت نفتی بین المللی در همکاری مورد نظر، منافع شرکتهای بین المللی با منافع شرکتهای دولتی لزوماً یکسان نیست. بلکه شاید بتوان گفت که لزوماً متفاوت است. از اینرو می توان با عقد قراردادهای مناسب عمده مشکلات درون قراردادی، و با اصلاحات محیط حاکم بر قرارداد عمده مشکلات برون قراردادی را منجر به جذابیت برای هر دو طرف نمود. در سال های پس از انقلاب بیش از ۹۰ درصد ارزش قراردادهای نفت و گاز بر اساس قراردادهای از نوع بیع متقابل بسته شده است. بیع متقابل در دسته قراردادهای خدمت و یا سرویس جای می گیرد. طبق آمار وزارت نفت، میزان سرمایه گذاری انجام شده در صنعت نفت کشور به روش بیع متقابل حدود ۳۰ میلیارد دلار است. در قرارداد بیع متقابل، شرکت سرمایه گذار خارجی کلیه وجوه سرمایه گذاری همچون نصب تجهیزات، راه اندازی و انتقال فناوری را برعهده می گیرد و پس از راه اندازی به کشور میزبان واگذار می کند. کلیه مخارج و هزینه هایی که پیمانکاران متحمل می شوند، به همراه بهره سرمایه های به کار گرفته شده و نرخ سود توافق شده، از درآمد حاصل از فروش محصولات، بازپرداخت می گردد. این نوع قرارداد در کشورهایی که قوانین آنها هرگونه مالکیت بخش خصوصی و یا خارجی را بر صنعت نفت منتفی می دانند، استفاده می شود. پرداخت ها بصورت نقدی و غیرنقدی امکان پذیر است و طرف خارجی علاوه بر تامین مالی طرح در بیشتر موارد مسئولیت اجرایی و مهندسی، سفارشات، ساخت و نصب، انتقال تکنولوژی، و آموزش و راه اندازی را نیز برعهده می گیرد. با هدف هزینه های کمتر نسبت به دیگر قراردادهای مرسوم، استفاده حداکثر از تمام ظرفیت های داخلی، انتقال تکنولوژی و حضور کوتاه مدت شرکت های خارجی در توسعه میدان های نفت و گاز عقد قراردادهای بیع متقابل دنبال می شود. با تمهید مراتب یاد شده، در ادامه به بررسی پیشینه تقنینی و ماهیت حقوقی قراردادهای بیع متقابل و تحلیل ایرادات و مشکلات و مزایای این نوع قراردادهای پرداخته خواهد شد.

۱- پیشینه تقنینی، مفهوم شناسی و مختصات قرارداد بیع متقابل**۱-۱- پیشینه تقنینی**

قراردادهای نفتی در ایران در طول تاریخ همواره موضوع مناقشات فراوانی بوده است. زمان انعقاد قراردادهای نفتی در ایران از قراردادهای امتیازی آغاز میشود. اما پس از ملی شدن صنعت نفت و با تصویب اولین قانون نفت در سال ۱۳۳۶ قراردادهای مشارکت تجویز میشوند. اما در ادامه و با تصویب قانون دوم نفت در سال ۱۳۵۳ به صراحت انعقاد قراردادهای مشارکتی ممنوع اعلام میشود و از آن پس قراردادهای خدماتی یا همان پیمانکاری در دستور کار قرار می گیرد.^۱

۱- انصاری، دکتر ولی الله، کلیات حقوق قراردادهای اداری، نشر حقوقدانان، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۸۹.

پس از انقلاب اسلامی قانون نفت ۱۳۶۶ تصویب میشود. در واقع با این تصویب قانون ماقبل به طور کامل فسخ نمیشود و فقط در موارد تناقض قانون نفت ۱۳۶۶ اعمال میشود و در این قانون همچنان همان روش قراردادهای پیمانکاری یا خدماتی قابل انعقاد است. در سالهای بعد با استنتاج از قوانین نفت ۱۳۵۳ و ۱۳۶۶ قراردادهای بیع متقابل نفتی در کشور شایع میگردد که البته نوعی قرارداد خدماتی محسوب میشود.

در زمینه ی بیع متقابل نفتی باید به دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اشاره نمود که طی آن شیوه های مختلف تجارت متقابل و از جمله بیع متقابل، خصوصا میان اروپای شرقی و غربی و امریکا رونق گرفت. برای نمونه در اروپا، قراردادهای بیع متقابل در خصوص گاز بین شرکت های آلمانی و شوروی سابق منعقد شد. در خاور میانه نیز در سال ۱۹۶۸ قرارداد نفتی ریاض با شرکت امریکایی آرامکو از مهمترین قراردادهای بیع متقابل نفتی در آن زمان به حساب می آید. قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز با گستردگی و دامنه ی عملیاتی وسیع، برای اولین بار توسط نظام حقوقی صنعت نفت ایران به کار گرفته شد؛ به طوری که این سیستم معاملاتی به عنوان مشخصه ی قراردادهای نفتی ایران در داخل و خارج قلمداد می شود. نخستین پروژه بزرگی که در قالب قرارداد بیع متقابل در ایران به اجرا درآمد، در سال ۱۹۹۵ و با شرکت نفتی توتال فرانسه و برای توسعه پروژه میدان نفتی سیری A است، که در اکتبر ۱۹۹۸ به بهره برداری رسید.^۱

۱-۲- مفهوم شناسی

با توجه به برداشت های متفاوتی که از اصطلاح (BUY BACK) در نوشته ها و تعابیر نویسندگان وجود دارد، اصطلاح مذکور در مقابل واژه ی انگلیسی (CONTRACTS BUY BACK) وضع شده است، این واژه ی کاملا گمراه کننده با ماهیت این قرارداد به هیچ وجه سازگاری ندارد و این قرارداد را باید نهاد نوینی دانست که شرایط مخصوص به خود را دارد که ممکن است در قراردادهای دیگر، چه نهادهای داخلی و چه نهادهای خارجی، یافت نشود.

کلمه BUY BACK را در فارسی قانون گذاران به ((بیع متقابل)) و برخی از حقوقدانان به ((توافق با خرید محصول)) و عده ای از ایشان به ((تهاتر تولیدی)) ترجمه کرده اند. عده ای دیگر بی آن که یک معادل فارسی برای این لفظ پیدا کنند آن را ((بای بک)) و برخی ((خرید با یافتی)) نامیده اند.

به کاربردن لفظ ((بیع)) در ترجمه ((BUY BACK)) کاملا اشتباه و گمراه کننده به نظر می رسد چرا که ممکن است در دید حقوقدانان نا آشنا و همچنین مجریان امور، این شبهه را القاء نماید که این قرارداد نوعی بیع با همان شرایط و ارکان داخلی و حتی بین المللی باشد. در حالی که اصلا مشابهتی بین این قراردادها با بیع های داخلی و بین المللی وجود ندارد، به نظر میرسد که واژه ی ((توافق با خرید محصول)) که در ترجمه کتاب تجارت بین الملل نوشته ی کلایو ام. اشمیتوف آمده، از همه اصطلاحات فارسی موجود، مناسب تر و با ماهیت خاص بیع متقابل نیز سازگارتر باشد، چرا که این اصطلاح دست کم یکی از ویژگی های مهم بیع متقابل را که ارتباط تولیدی بین کالاها و خدمات صادراتی و کالاها و خدمات با خرید شده می باشد، به خوبی نشان می دهد.^۲

۱-۳- مختصات قرارداد بیع متقابل

- ۱- شرکت خارجی در این قراردادها تنها نقش پیمانکار را ایفا می کند و وظیفه آن تامین همه سرمایه مورد نیاز عملیات اکتشاف، توسعه، نوسازی و بازسازی میادین است.
- ۲- کلیه مخارج و هزینه هایی که پیمانکار (شرکت خارجی) متحمل می شود، به همراه بهره سرمایه های به کار گرفته شده و نرخ سود توافق شده، از درآمد حاصل از فروش محصولات، بازپرداخت می گردد.
- ۳- نرخ بازده سالانه سرمایه گذاری، متناسب با پروژه، متغییر بوده و در قالب اقساط مساوی توسط کشور میزبان به پیمانکار (شرکت سرمایه گذار خارجی) پرداخت خواهد شد.
- ۴- پس از پایان دوره پرداخت اصل سرمایه و بهره و سود آن، پیمانکار با شرکت خارجی هیچ گونه حقی در خصوص میادین نفت و گاز کشور میزبان نخواهد داشت.
- ۵- پس از پایان دوره عملیات اجرایی پروژه، راه اندازی، شروع به تولید و تولید، کشور میزبان کنترل عملیات را برعهده خواهد گرفت و مسؤول تأمین هزینه عملیات جاری خواهد بود.
- ۶- پیمانکار خارجی در این سرمایه گذاری مشترک فاقد سهم است.
- ۷- پروژه ها فاقد خطرپذیری و ریسک در زمینه اکتشاف اند. زیرا تمام پروژه در میادینی که دارای ذخایر اثبات شده نفت و گاز هستند، به اجرا در خواهد آمد.

۱- ابراهیمی، دکتر سید نصرالله، جایگاه ایران در تعامل منطقه ای و بین المللی در چشم انداز بیست ساله کشور، محله حکومت اسلامی ویژه اندیشه و فقه سیاسی اسلام، صاحب امتیاز دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۸۴، ص ۳۷.

۲- همان، ص ۵۳.

۸- بنابراین با در نظر گرفتن مراتب فوق باید گفت، پیمانکار خارجی وظیفه تأمین مالی طرح (به صورت کامل)، مسئولیت اجرایی و مهندسی، مسئولیت سفارشات، ساخت و نصب، تصویب خواهی از کشور میزبان بوسیله کمیته مشترک مدیریت، انتقال تکنولوژی، آموزش و راه اندازی و تحویل میدان پس از توسعه آن به کشور میزبان را به عهده دارد و کلیه مراحل مذکور تحت نظارت فنی و مالی کشور میزبان صورت می گیرد.

ملاحظات حقوقی که معمولاً در عقد قراردادهای خدماتی در چارچوب بیع متقابل مورد توجه کشور میزبان واقع می شوند، عبارت اند از:

- ✓ حاکمیت و مالکیت کامل کشور میزبان بر منابع هیدروکربوری (نفت خام و گاز طبیعی) و نفی مشارکت خارجی.
- ✓ حاکمیت قوانین کشور میزبان بر قرارداد بیع متقابل و همچنین بر حکمیت و داوری.
- ✓ حاکمیت قوانین پولی کشور میزبان بر روابط ارزی فیما بین شرکت پیمانکار خارجی و کشور میزبان.
- ✓ کنترل کامل عملیات تولید توسط کشور میزبان (کشور صاحب میادین نفت و گاز).
- ✓ بازپرداخت سرمایه شرکت پیمانکار خارجی، صرفاً از محل تولید مخزن.
- ✓ ارایه نکردن تضمین بانکی یا دولتی.
- ✓ اعمال حق کنترل و نظارت فنی و مالی توسط کشور میزبان.
- ✓ تأمین بالاترین ضریب برداشت با ملاحظات فنی و حفظ مخزن.
- ✓ به حداکثر رساندن مشارکت توان فنی، مهندسی و ساختمانی داخلی.
- ✓ انتقال تکنولوژی و آموزش از ناحیه شرکت خارجی.

با توجه به آنچه تا کنون گفته شد می توان نتیجه گرفت که شرکت های خارجی در پروژه های نفتی، پس از تولید، سهم مدیریتی ندارند و صرفاً به عنوان پیمانکار با شرکت ملی نفت ایران همکاری می نمایند.

۲- ماهیت حقوقی قراردادهای بیع متقابل^۱

در این قسمت به بررسی مفهوم بیع پرداخته و به این سوال پاسخ داده می شود که آیا می توان تاسیس «بیع متقابل» را که ترجمه اصطلاح buy-back که خود نیز غلط اصطلاحی می باشد در زمره بیع به معنای مصطلح در نظام حقوقی ایران دانست یا اینکه خود نهادی نوین می باشد؟

ماده ۳۳۸ قانون مدنی ایران بیع^۲ را بدین عبارت تعریف کرده است:

«بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». از این تعریف سه ویژگی تملیکی بودن، معوض بودن و عین معین بودن مبیع فهمیده می شود. منظور از تملیکی بودن عقد بیع این است که انتقال مبیع به خریدار و ثمن به فروشنده با ایجاب و قبول واقع می شود. همین که خریدار و فروشنده درباره مبادله دو کالا. شرایط آن توافق کردند، مبیع و ثمن خود به خود مبادله می شود و نیاز به کار دیگری ندارد.^۳ معوض یعنی عین مالی که فروخته می شود و با مال دیگر (که امروز به طور معمول پول است) مبادله می شود. این وصف بیع را از تمام انواع عقود رایگان ممتاز می سازد؛ زیرا در این گونه قراردادها یا مالی بدون هیچ گونه عوض به دیگری واگذار می شود، یا اگر تعهدی نیز بر انتقال گیرنده شرط شود، بیع این تعهد و موضوع اصلی همبستگی به وجود نمی آید. همچنین از تعریف ماده ۳۳۸ قانونی مدنی استفاده می شود که مبیع باید عین باشد و عین عبارت از مالی است که وجودی مادی و محسوس دارد و به طور مستقل مورد داد و ستد

۱- جانکوفسکی، دکتر ادوارد، ماهیت قراردادهای بیع متقابل ایران، نشریه اقتصادی انرژی، ش ۲۲، ۱۳۷۹.

کلاپوم، اشمیتوف، حقوق تجارت بین الملل، ج ۱، ترجمه شده توسط دکتر بهروز اخلاقی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.

Dr. christain ule & dr.alexander brexendorff, iran investing in the oil & gas industry, from a business and legal perspective, 2005

Tamara milenkovic kercovic, drafting an international buy-back agreement, series: economics and organization, vol 2,n 2, 2004

Ruben berrios and Josephine e. olson , counter trade as a form of debt payment, university of Pittsburgh for cied.

Dr.s.n.ebrahimi and dr.a.shiravi khouzani, the contractual form of irans buy-back contracts in comparision with production sharing and service contract,2003,society of petroleum engineers inc.

۲- شهید ثانی، شرح لمعه، توضیح و تصحیح کلاتر، جلد سوم، انتشارات دارالعلم الاسلامی، چاپ بیروت، ۱۴۰۳، ۱۹۸۳.

امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱ انتشارات اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشای قانون مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۹.

شهیدی دکتر مهدی، حقوق مدنی ۶: عقود معین، (بیع، معاوضه، اجاره، جعاله، قرض، صلح) انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲.

کاتوزیان، دکتر ناصر، دوره عقود معین، ج ۱، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.

۳- کاتوزیان، دکتر ناصر، منبع پیشین، ص ۲۸. شهیدی، دکتر مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۸۵.

قرار می‌گیرد. اما چهارمین ویژگی که در این تعریف وجود ندارد اما حقوقدانان آن را از جمله ویژگی‌های این عقد به شمار می‌آورند لازم بودن عقد بیع است. حال باتوجه به مطالب عنوان شده پیرامون مفهوم بیع در حقوق داخلی، در اینجا به تبیین و توضیح مفهوم و ماهیت بیع متقابل پرداخته می‌شود. در آغاز ضروری است در مورد تجارت متقابل که اعم از بیع متقابل است گفته می‌شود که «مجموعه‌ای از روشهای تجاری است که در آن صادر کننده یا وارد کننده تعهد می‌نماید در ازای کالا یا خدمات صادره به کشور خریدار یا وارده از کشور فروشنده، خدماتی را به ارزش کل معامله یا بخشی از آن خریداری یا صادر نماید.»^۱

لازم به ذکر است که بیع متقابل به عنوان یکی از شیوه‌های تجارت متقابل از سوی کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا نیز به شرح زیر تعریف شده است:^۲

«در این شیوه موضوع معامله اولیه عبارت است از ماشین آلات، تجهیزات، حق اختراع، اکتشاف و دانش فنی یا کمک‌های فنی (تجهیزات - تکنولوژی) که به منظور نصب و استقرار تسهیلات تولیدی برای خریدار مورد استفاده قرار خواهد گرفت و وفق توافق طرفین فروشنده متعاقباً تولیدات به دست آمده از تسهیلات تولیدی مذکور را از خریدار اولیه اکتفا می‌کند.»

کلمه buy-back را بیشتر نویسندگان به بیع متقابل یا خرید متقابل ترجمه نموده‌اند و حتی در متون قانونگذاری در این مورد به همین عنوان ذکر گردیده است به عنوان مثال آیین‌نامه چگونگی قراردادهای بیع متقابل غیر نفتی مصوب ۱۳۷۹، قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹ و همچنین آیین‌نامه اجرایی شیوه قراردادهای بیع متقابل (در مورد ماده ۱۴ برنامه چهارم توسعه) مصوب ۱۳۸۴/۴/۱۵ و ... بیشتر نویسندگان حقوقی نیز همین اصطلاح «بیع متقابل یا خرید متقابل» را برای ترجمه buy-back در نوشته‌های خود استفاده کرده‌اند.^۳

به نظر می‌رسد که ترجمه «توافق بازخرید یا پس‌خرید محصول» از سایر ترجمه‌ها رساتر و با ماهیت این قرارداد نیز سازگار باشد. اما از آنجا که اصطلاح بیع متقابل در بیشتر موارد به جای buy-back استفاده می‌شود در مقاله حاضر نیز همین عبارت را به تبعیت از عرف جامعه به کار می‌بریم. بیع متقابل در سالهای متمادی در آیین‌نامه‌های مصوب تعریف شده است که به اختصار به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود.

به موجب ماده ۱ آیین‌نامه معاملات متقابل مصوب ۱۳۶۹/۱/۲۰ هیأت وزیران «معامله متقابل عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد میگردد و ضمن آن یک طرف تامین‌کننده در مقابل تعهد طرف دیگر صادر کننده مبنی بر تولید و تحویل از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج از کشور طی زمان مورد توافق تعهد می‌نماید مواد، ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز آن طرف را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد.»

ماده ۳ آیین‌نامه مزبور مقرر می‌دارد: «صادر کننده شخص حقیقی یا حقوقی ایرانی است که تحت قرارداد معامله متقابل تعهد می‌نماید در ازای دریافت قطعات، ابزار، ماشین آلات و یا خدمات از طرف دیگر قرارداد تامین‌کننده راسا یا به واسطه، کالا یا کالاهای مورد توافق را از محصولات همان واحد تولیدی یا تولیدات صنعتی هم‌گروه (به تشخیص وزارتخانه صنعتی ذی‌ربط) به مقدار معین و در زمان مقرر صادر یا جهت صدور در اختیار تامین‌کننده قرار دهد.»

در ماده ۲ آیین‌نامه بیع متقابل غیر نفتی مصوب ۷۹ بیع متقابل به این صورت تعریف شده است: «بیع متقابل یا معاملات دو جانبه به مجموعه‌ای از روشهای معاملاتی اطلاق می‌شود که به موجب آن سرمایه‌گذار تعهد می‌نماید تمام یا بخشی از تسهیلات مالی (نقدی و غیر نقدی) را برای تامین‌کننده کالاها و خدمات مورد نیاز، شامل کالاهای سرمایه‌ای یا واسطه‌ای یا مواد اولیه یا خدمات، جهت ایجاد، توسعه، بازسازی و اصلاح واحد تولیدی و خدماتی در اختیار سرمایه‌پذیر قرار دهد و بازپرداخت تسهیلات، شامل اصل و هزینه‌های تبعی آن را از محل صدور کالا و خدمات تولیدی سرمایه‌پذیر دریافت کند.»^۴

در مجموع از بیان تعاریف مختلف چنین استنباط می‌شود که به عبارت ساده بیع متقابل از دو یا چند قرارداد مجزا تشکیل شده است که قرارداد نخست قرارداد خرید تکنولوژی، تجهیزات، خدمات و غیره از طرف کشور سرمایه‌پذیر می‌باشد و قراردادهای بعدی قرارداد فروش محصولات تولیدی همان سرمایه‌گذاری به کشور یا شرکت سرمایه‌گذار جهت استهلاك هزینه‌ها، سود سرمایه و بهره مربوط به سرمایه‌گذار می‌باشد. به بیان دیگر بیع متقابل در قراردادهای نفتی را می‌توان اینگونه تعریف کرد که به موجب این قرارداد «شرکت نفتی خارجی کلیه هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، اعم از خرید تجهیزات، نصب، راه‌اندازی و کلیه هزینه‌های مربوط به استفاده از نیروی انسانی و هزینه‌های عملیاتی تا مرحله توسعه میدان نفتی یا گازی خاص را تامین می‌کند و بعد از آنکه تولید به سطح مقرر در قرارداد

۱- اشرف زاده، حمیدرضا، مجموعه‌آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی-اقتصادی، (تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۰) ص ۲۳۴.

۲- حسن بیگی، ابوالفضل، نفت، بای‌بک و منافع ملی، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۸۱، ص ۷.

۳- قراردادهای نمونه در تجارت بین‌الملل، ترجمه حمیدرضا، اشرف زاده، ویرایش سوم، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، جلد اول، ۱۳۷۲.

۴- اخلاقی، دکتر بهروز، آینده سرمایه‌گذاری در ایران، علل و موانع پیشرفت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۷، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲.

رسید، کلیه تجهیزات را در اختیار شرکت ملی نفت قرار می دهد و در مقابل شرکت ملی نفت توافق می کند که کلیه خدمات پیمانکار اعم از هزینه ها، حق الزحمه و سود از طریق فروش مستقیم نفت یا گاز حاصله از میدان به پیمانکار طرف قرارداد یا از طریق تخصیص عواید حاصل از سهم گاز یا نفت طرف قرارداد که توسط شرکت ملی نفت ایران به طرفهای ثالث فروخته شده را طی اقساط معین و در مدت زمان معلوم (دوره استهلاک بین ۵ تا ۸ سال) جبران نماید. محل تامین هزینه های جمعی پیمانکار خارجی از تولیدات در دوره استهلاک حداکثر تا ۶۰ درصد محصول می باشد.»

۳- معایب قراردادهای بیع متقابل

۳-۱- معایب درون قراردادی

✓ شرایط این قراردادها انعطاف پذیر نیستند و راهی برای تعدیل شرایط، بصورت آسان پیش‌بینی نشده است.

✓ شرکت خارجی که خدمات سرمایه ای ارائه می کند (فاینانس کننده)، شرکت ملی نفت ایران (فاینانس گیرنده) را وادار به قبول تعهداتی نظیر اعطای وکالت خرید لوازم و تجهیزات به فاینانس کننده جهت انجام پروژه می کند که طبیعی است فاینانس کننده این لوازم و تجهیزات را به قیمت موردنظر خود از شرکتهای خارجی دیگر که بعضا شرکتهای وابسته هستند خریداری کند و علاوه بر پول خرید تجهیزات، بهره پول را نیز مطالبه می کنند.

✓ از نظر فنی و عملیاتی طرحهای بیع متقابل منجر به انتقال دانش و تکنولوژی به طرف ایرانی نخواهد شد زیرا ماهیت طرح مشابه عملیات در پروژه های کلید در دست است.

✓ چون پشتوانه اجرای طرحها، فروش منابع نفت و گاز استحصالی آتی است، نوسانات آتی قیمت این دو محصول، می تواند ضربات سنگینی را بر پیکره اقتصاد وارد کند زیرا باتوجه به سهمیه بندی فروش نفت کشورهای عضو اوپک چنانچه در زمان بازپرداخت تعهدات از طریق تحویل نفت و گاز بازار اشباع شده باشد مشکلات آن گریبانگیر دولت ایران خواهد شد زیرا قیمت محموله های پیش فروش شده در زمان تحویل، مشخص می گردد.

✓ به دلیل ضریب ریسک بالای سرمایه گذاری در ایران، کشور ناچار به پرداخت بهره سنگینی بابت فاینانس ها و بیع متقابل می گردد که نسل آتی عهده دار تامین آن خواهد شد.

✓ دوره کوتاه قراردادهای بیع متقابل، انگیزه ای برای انتقال تکنولوژی ایجاد نمی کند. چون کشور میزبان، کنترل تولید و بهره برداری را به دست می گیرد، طرف خارجی حاضر به بکارگیری تکنولوژی های برتر در معامله بیع متقابل نخواهد بود.

✓ نرخ برگشت سرمایه ثابت است. این مسأله ممکن است برای بخش خارجی، بخصوص در زمانی که قیمت نفت تنزیل پیدا می کند، سودمند باشد؛ اما در حالت کلی انگیزه ای برای بهبود عملکرد یک پروژه، توسط شرکت خارجی ایجاد نمی کند.

✓ هزینه اجرای طرح را پیمانکار پرداخت می کند که پیش از این سقف مشخص هزینه اجرای طرح توسط پیمانکار با امکان توجه تغییر هزینه ها، موجب می شود تا پیمان کار بهترین گزینه را اجرا نکند. منتقدان عمدتاً از ضعف قراردادهای بیع متقابل در جذب سرمایه گذاران خارجی و نیز بی میلی پیمانکار به استفاده از فناوری روز دنیا به دلیل حضور کوتاه مدت در اجرای پروژه ها سخن می گویند. علاوه بر این تعدادی از اقتصاددانان معتقدند بازار فروش نفت بازاری مطمئن است از اینرو با توجه به هدف محوری عقد قراردادهای بای بک، که ایجاد امنیت بازار است، در بازار نفت و گاز این کار بی معنی است. یعنی کسانی که نسبت به فروش محصولاتشان نگرانی دارند به سراغ این نوع قراردادها می روند، از اینرو عقد اینگونه قرارداد به ضرر ایران می باشد.^۱

۳-۲- معایب خارج از قرارداد

✓ در بسیاری از موارد اشراف تجربه عملی و نظام اطلاعاتی شرکتهای بین المللی نفتی بر ویژگیهای مخازن نفتی از شرکت دولتی طرف مذاکره بیشتر است. به طور مثال شرکت بین المللی ممکن است تجربه کار با زمین شناسی مشابه را داشته باشد. به طور مثال شرکت توتال در قطر یا شرکتهایی مانند بی پی و شل در دوره هایی در گذشته در ایران حضور داشته است.

✓ شرکتهای نفتی بین المللی تجربه انعقاد انواع مختلف قراردادهای کشورهای مختلف با انواع نظامهای سیاسی و قوانین و مقررات داخلی را دارا هستند. این تجارب، توانایی و دقت شرکتهای بین المللی را در انعقاد قراردادهای جدید افزایش می دهد. از اینرو طرف ایرانی باید بروی بندها، تبصرها و کلمات قرارداد دقت نماید. شرکت ملی نفت ایران کلیه خطرات حاصل از قیمت پایین نفت را با پرداخت نرخ ثابت برگشت، تقبل می کند.

✓ شرکتهای بین المللی نفتی نیازهای شرکتهای دولتی ایرانی و فشار تحریم را می دانند، اما شرکتهای دولتی از وضعیت پروژه ها، پرتفولیوی سرمایه گذارها و دارایی ها و فرصت های سرمایه گذاری پیش روی یک شرکت بین المللی نفتی کمتر اطلاع دارند.

✓ از جهت سیاسی نیز در بسیاری از موارد شرکتهای و انمود می کنند که برای همکاری با ما تحت فشارهای بازدارنده سیاسی قرار دارند.

✓ در دوران سازندگی قراردادهای بیع متقابل به عنوان تنها راه کار همکاری در توسعه میدانهای نفتی به شرکتهای نفتی بین المللی پیشنهاد شد. شرکتهای عنوان نمودند که قراردادهای بیع متقابل از جذابیت لازم برخوردار نیست. شرکتهای با علم به اینکه تغییر جهت به سمت قراردادهای مشارکت در تولید به دلایل عدیده برای شرکت ملی نفت ایران مقدور نیست، خواستار امتیازات بیشتری را در جریان مذاکرات قراردادی می باشند.

✓ یکی از شروط قراردادی در بیع متقابل، شرط پرداخت سود و بهره و وجه سرمایه گذاری شده به شرکتهای نفتی خارجی و بیگانه است و این پرداخت سود و بهره، مخالف صریح شرع و قانون است. البته از آن جاکه گرفتن وام بانکی و پرداخت بهره توسط پیمان کار خارجی پرداخت می گردد و مقدار آن در هزینه هایی ثبت می شود که شرکت ملی نفت باید پرداخت کند، نمی توان صریحاً این نوع پرداخت را مصداق ربا دانست.

✓ نرخ برگشت سرمایه ثابت است. این مسئله ممکن است برای بخش خارجی، به خصوص در زمانی که قیمت نفت تنزل پیدا می کند، سودمند باشد، اما در حالت کلی انگیزه ای برای بهبود عملکرد یک پروژه توسط شرکت خارجی ایجاد نمی کند.

✓ نرخ بهره متعارف در دنیا ۴ تا ۵ درصد است؛ ولی در این قراردادها ۱۵ تا ۲۰ درصد می باشد.

✓ در بیع متقابل ریسک کاهش قیمت نفت بر دوش شرکت ملی نفت ایران است. به عبارت بهتر، اگر قیمت نفت کاهش یابد، ایران ملزم به بازپرداخت تعداد بشکه نفت بیشتری به سرمایه گذار خارجی است و این امر به تضمین بازگشت سرمایه شرکت خارجی حتی در صورت به نتیجه نرسیدن پروژه در فرمول بیع متقابل بازمی گردد.

✓ دوره قراردادهای کوتاه است و به همین دلیل، انگیزه زیادی برای به کارگیری معیارهای افزایش بهره وری توسط سرمایه گذار خارجی ایجاد نمی کند، در نظر گرفتن این معیارها توسط شرکت خارجی، حداقل به دوره ۲۰ ساله ای نیاز دارد.

✓ شرایط این قراردادهای انعطاف پذیر نیستند و راهی برای تعدیل این شرایط، پیش بینی نشده است؛ مثلاً برای گسترش و پیش برد کار در مواردی که قرارداد ساکت است، شرایطی پیش بینی نشده و موارد لازم در نظر گرفته نشده است.

✓ نادیده گرفتن ظرفیت های داخلی در پیمان کارهای فرعی: در قراردادهای بیع متقابل سهم ۳۰ درصدی برای استفاده از امکانات داخلی پیش بینی شده است که ناچیز است و به علاوه دستور العمل روشنی ندارد، یعنی مشخص نیست که شامل چه امکاناتی است (خرید کالاها، اجاره ماشین آلات، استخدام کارگر ساده، به کارگیری متخصصان).

✓ دوره کوتاه قراردادهای بیع متقابل، انگیزه ای برای انتقال تکنولوژی ایجاد نمی کند. چون کشور میزبان، کنترل تولید و بهره برداری را به دست می گیرد، لذا طرف خارجی حاضر نیست تکنولوژی های برترش را در پروژه های مبتنی بر قراردادهای بیع متقابل به کارگیرد.

✓ نبود آموزش و انتقال تکنولوژی؛ عملاً به لحاظ نبود وجود انگیزه و مشوق لازم و نیز به علت کوتاه بودن مدت قرارداد، انتقال دانش فنی و تکنولوژی پیشرفته محقق و میسر نشده است و از این حیث، قراردادهای بیع متقابل مزیتی بر قراردادهای مشارکت در تولید ندارند. در بخش صنعت نفت و گاز ایران، متخصصین زیادی فعالیت می کنند که در طول بیست سال گذشته از تحولات عظیم ایجاد شده در بخش نفت و گاز در سطح بین المللی به دور افتاده اند و شرایط مناسب جهت جذب تکنولوژی را ندارند. انتقال این تکنولوژی ها به سال ها زمان نیاز دارد. دوره کوتاه قراردادهای بیع متقابل علاوه بر موارد فوق، عملاً فرصت لازم را برای یادگیری متخصصان ما ایجاد نمی کند و شاید اگر این قراردادهای برای مدت طولانی تری منعقد شوند، امکان و انگیزه لازم برای انتقال دانش و مهارت های مدیریتی فراهم آید.

✓ فقدان انگیزه کافی پیمان کار برای استفاده بهینه از مخزن و عدم رعایت تولید صیانتی؛ از آنجا که پیمان کار در تولیدات حاصل از مخزن سهم نمی باشد، انگیزه کافی برای استفاده بهینه و مدیریت کارآمد مخزن ندارد که در این صورت ممکن است تولید صیانتی که عبارت است از تولید بهینه از مخزن در طول عمر میدان نفتی، رعایت نشده و فراموش شود. تولید صیانت شده «کلیه عملیاتی است که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه نفت، براساس سیاست های مصوب می گردد. به رغم اینکه شرط مزبور در قراردادهای بیع متقابل نیز تحت عنوان «حداکثر نرخ تولید مؤثر گنجانده شده است، نقض آن به سادگی قابل اثبات نیست و ضمانت اجرای خاصی نیز برای نقض آن متصور نیست. به نظر می رسد این شرط بیشتر در مرحله طراحی و تولید باید مدنظر قرار گیرد» دوره بهره برداری کارفرما پس از دوره آزمایش تولید آغاز می شود که در آن پیمان کار حداقل ۲۱ روز از یک دوره ۲۸ روزه به سطح تولید مندرج در قرارداد رسیده باشد. با محقق شدن این دوره، پیمان کار به تعهد خود در قرارداد عمل کرده است. این بند سبب می شود پیمان کار تلاش کند تا این دوره محقق شود و میدان را تحویل دهد. گرچه

در فازهای ۲ و ۳ میدان پارس جنوبی تولید افت نکرد، اما در برخی از پروژه‌های بیع متقابل تولید در عمل کاهش پیدا کرد یا کلاً متوقف شد. در نتیجه، برای تحقق تولید صیانتی نمی‌توان به بند «حداکثر نرخ کارا» تکیه کرد و نمی‌توان گفت با قرارگرفتن این بند در قراردادها، به دلیل الزام‌آور بودن قرارداد، وعده تولید صیانتی نیز محقق خواهد شد. به عبارت دیگر، برای رسیدن به تولید صیانتی از میدان، باید راه‌حلهایی خارج از قرارداد و درون ساختار اداره قرارداد یافت.^۱

✓ غیرقابل انعطاف بودن قراردادهای بیع متقابل؛ پیش از آنکه پیمان کار تعهدات قراردادی خود را آغاز نماید، مبلغ کل قرارداد معین می‌باشد و تجدید نظر در این مبلغ بسیار سخت است.

✓ کم بودن ریسک پیمان کار: بیشتر قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران در مورد توسعه میداین و مخازن است و شرکت پیمان کار خارجی تنها برای رساندن میزان تولید تا سقف معینی که در قرارداد می‌آید، وارد عمل می‌شود و هیچ‌گونه ریسکی نه در زمینه اکتشاف و نه در سایر زمینه‌ها متحمل نمی‌شود و این یکی از بزرگ‌ترین ایرادات این قرارداد است.

در مجموع، الگوی قرارداد بیع متقابل زمانی از مطلوبیت کافی برای اعمال برخوردار می‌باشد که کشور میزبان علاوه بر مواجهه با فقدان منابع مالی، قدرت بازاریابی برای محصولات تولیدی را در اختیار نداشته باشد و بخواد از مزایای دسترسی شرکت خارجی جهت بازاریابی برای محصولات خود بهره جوید. حال آنکه با توجه به خصوصیات و شرایط موجود در صنعت نفت، شرایط بازار و موقعیت شرکت ملی نفت به نظر نمی‌رسد چنین مطلوبیتی در خصوص توسعه منابع نفت و گاز وجود داشته باشد. از طرف دیگر شرکت‌های بین‌المللی نفتی مدعی هستند که با قرارداد بیع متقابل با مخاطرات مختلفی مواجه می‌گردند که جذابیت لازم برای آن‌ها جهت ورود به چنین سرمایه‌گذاری را ندارد. زیرا عواملی مانند افزایش ناگهانی هزینه سرمایه‌ای لازم یا افت نمودار تولید بر خلاف پیش‌بینی و یا کاهش شدید قیمت جهانی نفت بازگشت سرمایه پیمانکار قرارداد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴- مزایای قراردادهای بیع متقابل

در قرارداد بیع متقابل، طرفین انگیزه‌های متضادی دارند. قرارداد آنها ناقص است و فقدان تقارن در ساختار سرمایه‌گذاری و اطلاعات موجود است. بنابراین زمینه‌های فرصت‌طلبی در این قرارداد فراهم شده است. فرصت‌طلبی ممکن است از سوی هر دو طرف قرارداد رخ دهد، اما موقعیت شرکت خارجی در فرصت‌طلبی پیشین و فرصت‌طلبی حین اجرای پروژه، بیش از میزبان است.^۲

• سهم دولت از درآمدهای پروژه بسیار بالاتر از اشکال دیگر قرارداد است و حق حاکمیت و مالکیت کشور میزبان نیز حفظ می‌شود. این سهم اغلب بیش از ۹۰ درصد بوده است.

• عمر کوتاه قرارداد: کوتاه بودن مدت قرارداد به معنی کوتاه بودن مدت حضور پیمان کاران خارجی و بالتبع جلوگیری از سوءاستفاده ایشان می‌باشد.

• دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و عدم تضمین دولت: در ابتدای امر بیع متقابل، دولت بدون هیچ هزینه‌ای صاحب مخزنی توسعه یافته می‌شود که می‌تواند از آن بهره‌برداری کند و هزینه‌های پیمان کار را بازگرداند و از این لحاظ قراردادهای بیع متقابل که امکان دسترسی به چنین مکانیسمی را فراهم می‌سازند، بسیار مناسب است.

• نداشتن ریسک برای دولت: قراردادهای بیع متقابل هیچ‌گونه ریسکی را به دولت تحمیل نمی‌کند، چراکه به‌عنوان نمونه در تبصره ۳ آیین‌نامه اجرایی، شیوه قراردادهای بیع متقابل سال ۸۴ آمده است « در صورتی که عملیات اکتشاف به کشف میدان تجاری در منطقه مذکور در قرارداد منجر نشود، قرارداد خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق مطالبه هیچ‌گونه وجهی را نخواهد داشت»

• در میادینی که میزان تولید، طی مدت بسیار کوتاهی به اوج خود می‌رسد، عملیات تولیدی را طی مدت کوتاهی می‌توان به شرکت ملی نفت واگذار کرد که می‌تواند شیوه مناسبی تلقی شود، اما در میادینی که به توسعه مرحله به مرحله نیاز دارند، باید قراردادها به صورت چند مرحله‌ای امضاء شود.

• در صورتی که قیمت نفت در میان مدت و بلندمدت افزایش یابد، حجم منافع پیمان کار خارجی از درآمدهای حاصل از طرح، به صورت واقعی کاهش خواهد یافت.

• شیوه پاداش و تنبیه که در قراردادهای بیع متقابل لحاظ شده است، می‌تواند انگیزه‌های پیمان کار را افزایش دهد، اما لزوماً افزایش انگیزه، این نوع قرارداد را با دیگر شیوه‌های قرارداد برابر نمی‌کند.

۱- مشایخ، نصیر، آیا قانون اساسی با سرمایه‌گذاری خارجی مخالف است؟ روزنامه صدای عدالت، تاریخ ۸۰/۴/۲

۲- ابراهیمی، دکتر سید نصرالله، جایگاه ایران در تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی در چشم‌انداز بیست ساله کشور، محله حکومت اسلامی ویژه اندیشه و فقه سیاسی اسلام، صاحب امتیاز دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال دهم، شماره ۲۸، ۱۳۸۴.

• قراردادهای بیع متقابل، دست‌یابی به بازدهی و سهم بیشتر از منافع ناشی از توسعه میادین را نسبت به سایر اشکال قرارداد برای کشور ممکن می‌سازد.

۵- تاثیر تحریم های آمریکا بر قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت

تحریم‌های بین‌المللی تا قبل از توافق هسته‌ای همزمان با اجرای برنامه پنجم توسعه شدت یافت که اهداف بخش نفت و گاز را به طور جدی با مشکل همراه کرد. ظرفیت تولید نه تنها تحقق نیافت بلکه به زیر ۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. حتی نیمی از ۱۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری تعریف شده هم محقق نشد. رتبه ایران در تولید اوپک به چهارم تنزل یافت و شرکت‌های بین‌المللی از بلوک‌های اکتشافی - توسعه خارج شدند و در نهایت صادرات نفتی به یک میلیون بشکه در روز رسید^۱. اما از سال ۲۰۱۵ و پس از توافق هسته‌ای بازار نفت ایران با استقبال گرم سرمایه‌گذاران خارجی همراه شد، هرچند همچنان از توسعه متناسب و مطابق استانداردهای روز عقب افتاده است. با خروج آمریکا از برجام و بازگشت یک جانبه تحریم‌های نفتی و کشتیرانی از چهارم نوامبر، حال این برنامه ششم است که به چالش کشیده می‌شود. بخش نفت و گاز به ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چهار ساله نیاز دارد. فرسودگی تاسیسات نفتی و همچنین وجود نیروی انسانی غیرماهر از چالش‌های عمده است. در چند سال آینده بیش از ۲۴ هزار نفر از پرسنل این صنعت بازنشسته می‌شوند که مسئولان را نگران کرده در حالی که در دولت دهم هزاران نیروی انسانی غیرماهر جذب شده‌اند.

با این حال جذب سرمایه و فناوری مهمترین نیاز امروز ایران در این بخش است. مقامات رسمی وزارت نفت اعلام کرده‌اند برای توسعه و نگهداشت میدان‌های نفت و گاز به سرمایه کلانی نیاز دارند که چنانچه تامین نگردد دستیابی به اهداف برنامه ششم کار آسانی نیست. این در حالی است که در پایان برنامه، وابستگی بودجه به نفت کشور باید قطع شود و ظرفیت تولیدی ایران به حداقل ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه، حجم تولیدات گازی به یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب و میعانات گازی نیز به یک میلیون و یکصد هزار بشکه در روز برسد.

دولت ایران همچنین برای مقابله با محدودیت‌های نفتی و مالی با بهره‌گیری از تجربیات گذشته تلاش دارد به گفتگو با سایر سرمایه‌گذاران در چین و روسیه و یافتن مشتریان جدید برای فروش نفت ادامه دهد. ایجاد بورس نفت و تالارهای حراج، فروش به بخش غیر دولتی، استفاده از ارزهای دیجیتال، فروش منطقه‌ای گاز و استفاده از توان داخلی برای اکتشاف، بازسازی و نوسازی تأسیسات، کاهش مصرف داخلی، مقابله با قاچاق سوخت و افزایش حامل‌های انرژی، بخش دیگری از تلاش‌های ایران برای کاهش اثرات تحریم در داخل و خارج است. در کنار این‌ها ایران در تلاش است تا در مذاکره با اتحادیه اروپا، رهیافت‌هایی برای مبادلات مالی که قابل تسری به سایر معاملات باشد جستجو کند. ایران امیدوار است تا با افزایش قیمت جهانی نفت و معافیت برخی مشتریان ایران از سوی آمریکا و همچنین ناتوانی رقبای جایگزینی کاهش صادرات ایران خود را از آسیب تحریم دور نگه دارد. با این حال حقایق موجود تا پیش از اعمال تحریم‌های نوامبر نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌ها از جمله توتال سرمایه‌گذاری را رها کرده و مطابق آمار ۳۹ درصد صادرات نفتی ایران کاهش یافته است.

واقعیت این است که تحقق ادعای آمریکا برای به صفر رساندن فروش نفت ایران البته به عوامل متعددی بستگی دارد که لزوماً در اختیار آنها نیست. جهان با افزایش تقاضا برای انرژی همراه بوده و جبران کاهش عرضه دو میلیون و نیم بشکه نفت ایران در بازار از سوی تولیدکنندگان دیگر کار ساده‌ای نیست و به زمان نیاز دارد. در چنین شرایطی صادرات و تزیونلا نیز کاهش یافته و هر دوی این عوامل سبب افزایش قیمت جهانی نفت شده است.

چشم‌آمریکائیان برای نتیجه تحریم‌ها به مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران جهانی نفت دوخته شده که تا چه اندازه حاضرند با ایالات متحده همکاری کنند. چنانچه واشنگتن موفق شود همراهی نسبی سایر کشورها را کسب کند، صنعت نفت و گاز ایران خسارت و زیان فراوانی را متحمل خواهد شد. ضمن اینکه نیمه اول دهه آینده شمسی زمان ثمر دادن اهداف چشم‌انداز و تحقق برنامه‌ها نخواهد بود. در این موقعیت در اثر افزایش تحریم‌ها و کاهش استقبال سرمایه‌گذاران خارجی در بخش صنعت نفت مدل خاص قراردادهای بیع متقابل می‌تواند با کاهش بیشتر تمایل سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به صنعت نفت ایران روبه‌رو شود. لذا با توجه به شرایط کنونی به نظر می‌رسد وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران باید از مدل‌های قراردادی دیگری نیز برای افزایش تمایل سرمایه‌گذاران خارجی استفاده کند.^۲

^۱- مشایخ، نصیر، آیا قانون اساسی با سرمایه‌گذاری خارجی مخالف است؟ روزنامه صدای عدالت، تاریخ ۸۰/۴/۲

^۲- GARFIELD, RICHARD, et al. (1995), "The Health Impact of Economic Sanctions", BULLETIN OF THE NEW YORK ACADEMY OF MEDICINE (1995 Winter), 72.

نتیجه گیری

مطالعه تاریخ نه چندان طولانی قراردادهای نفتی در کشور در قرن اخیر، مؤید آن است که قراردادهای نفتی به زعم بسیاری از سیاستمداران و حقوق دانان، در واقع چهره‌ای از معارضة منافع شرکت‌های نفتی خارجی با منافع دولت میزبان است. از این نظر، اینکه چه نوع قراردادی، در چه شرایطی بتواند منافع طرفین قراردادی را تأمین کند و ظرف قرارداد با چه مظهری پر شود، به عوامل متعدد بستگی دارد. شرکت‌های نفتی و کشورهای میزبان با توجه به شرایط متفاوت، به انواع قرارداد علاقه نشان می‌دهند، اما این گرایش عمومی به این معنا نیست که نوع انتخاب شده، بهترین قالب قراردادی است و می‌تواند منافع طرفین را تضمین کند، بلکه به مرور زمان قالب‌های این قراردادها در حال تغییر است و سعی شده است که منافع کشور میزبان از منابع نفتی هر چه بیشتر لحاظ شود.

در قرارداد بیع متقابل، طرفین انگیزه‌های متضادی دارند. قرارداد آنها ناقص است و فقدان تقارن در ساختار سرمایه‌گذاری و اطلاعات موجود است. بنابراین زمینه‌های فرصت طلبی در این قرارداد فراهم شده است. فرصت طلبی ممکن است از سوی هر دو طرف قرارداد رخ دهد، اما موقعیت شرکت خارجی در فرصت طلبی پیشین و فرصت طلبی حین اجرای پروژه، بیش از میزبان است. در دوره بازپرداخت، شرکت خارجی میدان را ترک می‌کند و ممکن است میزبان فرصت طلبی کند. احصاء تمام فرصت طلبی‌ها نیازمند دسترسی به اطلاعات و تحلیل‌های دقیق است که در دسترس نیست. فرصت طلبی در قرارداد بیع متقابل ریشه‌های متفاوتی دارد؛ مانند عوامل محیطی، اطلاعات نامتقارن و دارایی اختصاصی.

لذا هر قرارداد نفتی ناگزیر ناقص است. البته درجه نقص قراردادها با یکدیگر متفاوت است. پنج عامل اساسی که سبب ناقص شدن قرارداد می‌گردد عبارتند از: ابهام، نااطمینانی، پیچیدگی، هزینه مبادله و عقلانیت محدود. وجود عوامل پنج‌گانه فوق با درجات متفاوت در هر قراردادی، سبب می‌شود دو قرارداد ناقص حتی با یک متن واحد الزاماً یکسان نباشند. از آنجا که نمی‌توان عوامل فوق را حذف کرد، در نتیجه هیچ‌گاه نمی‌توان قراردادی کامل منعقد کرد، اما می‌توان از میزان ناقص بودن قرارداد کاست.

برای حرکت به سوی قراردادهای کامل‌تر، باید اطلاعات، دانش و تجربه فردی را به دانش و توان سازمانی تبدیل کرد. از آنجا که افزایش زمان قرارداد نااطمینانی و پیچیدگی را افزایش می‌دهد، طولانی‌تر کردن دوره قرارداد کمکی به کامل‌تر شدن قرارداد نمی‌کند. گام اساسی دیگر برای کاهش تبعات ناقص بودن قرارداد، طراحی مکانیسم‌های اداره قرارداد پس از امضای آن است. در قرارداد بیع متقابل مهم‌ترین مکانیسم اداره قرارداد، کمیته مدیریت مشترک است که توزیع قدرت در آن یکسان است و صرفاً ساختاری نظارتی است. برای جبران قرارداد ناقص، باید مکانیسم‌های مکمل دیگری برای اداره قرارداد طراحی کرد.

قراردادهای بیع متقابل سند افتخاری برای ملت ایران و شرکت ملی نفت ایران در حفظ سرمایه‌های ملی است. این قرارداد در دوره‌ای توانست با ایجاد ظرفیتی مناسب، مبالغ چشم‌گیری سرمایه خارجی نصیب کشور کند که درآمد سرشاری را برای کشور به دنبال داشت. اگرچه انتقاداتی، گاهی درست، به این نوع قرارداد گرفته شده است؛ ولی در جمع‌بندی، سودی که این نوع قراردادها برای مملکت داشت بسیار فراتر از زیان‌های احتمالی آن است. با تقویت بعد نظارتی و اعمال اندکی سخت‌گیری شاید می‌شد بخش عمده‌ای از این انتقادات را رفع کرد. آنچه کارشناسان بر آن اتفاق نظر دارند این است که در شرایط فعلی با توجه به تغییرات سیاسی، اقتصادی و فنی در جهان، دیگر قراردادهای بیع متقابل با فرمت فعلی، کارایی قبل را نخواهند داشت. این قراردادها باید در راستای ایجاد شرایط برد برای هر دو طرف، مورد بازنگری قرار گیرند. ایجاد انگیزه و دادن امتیاز بیشتر به سرمایه‌گذار می‌تواند سرمایه‌گذار را ترغیب به حضور فعال در بخش بالادستی کشور کند. بومی‌سازی قراردادهای بیع متقابل از نوعی که کشور عراق هم‌اکنون استفاده می‌کند، می‌تواند در این راستا راه‌گشا باشد. خوشبختانه استفاده از این مدل آن‌چنان هم دور از ذهن نیست و شرایط قانونی و حقوقی آن نیز فراهم است. در جمع‌بندی کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد که بسیاری از مشکلات موجود در قراردادهای بیع متقابل فعلی، ناشی از ساختار کلی این قراردادها نمی‌باشد و متوجه ناآگاهی، عدم وجود تخصص لازم و عدم دقت مدیران نفتی است. در نتیجه، در شرایط فعلی تغییر و تعدیل قراردادهای بیع متقابل، متناسب با شرایط و اقتضات روز و بالابردن تخصص و دانش فنی دست‌اندرکاران داخلی، بسیار مفیدتر از کنار گذاشتن این نوع قرارداد و جایگزینی آن با نوع دیگری از قراردادهاست که هیچ تجربه‌ای در آن نیست.

منابع و مراجع

- [۱] ابراهیمی، دکتر سید نصرالله، جایگاه ایران در تعامل منطقه ای و بین المللی در چشم انداز بیست ساله کشور، محله حکومت اسلامی ویژه اندیشه و فقه سیاسی اسلام، صاحب امتیاز دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۸۴.
- [۲] اخلاقی، دکتر بهروز، آینده سرمایه گذاری در ایران، علل و موانع پیشرفت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۷، ۱۳۷۹.
- [۳] امام، فرهاد، حقوق سرمایه گذاری خارجی در ایران، انتشارات یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۳، بخش دوم مبحث سوم.
- [۴] انصاری، دکتر ولی الله، کلیات حقوق قراردادهای اداری، نشر حقوقدانان، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- [۵] صفایی، دکتر سید حسین، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- [۶] عنایت، دکتر سید حسین، تنظیم معاهدات بین الملل در حقوق کنونی ایران، زمستان ۶۵، مجله حقوقی ش ۷.
- [۷] فلسفی، دکتر هدایت الله، حقوق بین الملل معاهدات، انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- [۸] مشایخ، نصیر، آیا قانون اساسی با سرمایه گذاری خارجی مخالف است؟ روزنامه صدای عدالت، تاریخ ۸۰/۴/۲.
- [9] AIA Minnesota. "Understanding Project Delivery." www.aia-mn.org
- [10] Analysis of Procurement Selection Strategies in the PublicSector." (2003).
- [11] B. Prieto. "BOT Projects at Risks." PB Net Work, March 2000. Pp.44-46.
- [12] B. Prieto. "Defining Alternative Project Delivery Systems."PB Network, March 2000. Pp.5-6.
- [13] Construction Institute. "Project Delivery for the PrivateOwner."2002, www.construction.org.
- [14] Dr. Christain ule & dr.alexander brexendorff, Iran investing in the oil & gas industry, from a business and legal perspective, 2005.
- [15] Dr.s.n.ebrahimi and dr. a.shiravi khouzani, the contractual form of Iran's buy-back contracts in comparision with production sharing and service contract,2003,society of petroleum engineers inc.
- [16] D. L. Seader. "Experience with Outsourcing, Privatization and Public-Private Partnership."2002.
- [17] D. S. Irani. "Minimizing Risks in Design/Build Projects, An Owner's engineering review ".PB NetWork, March 2000.pp.49-51.
- [18] GAO. "Public-Private Partnership."April 1999.
- [19] P. Gillbert & H. Berliner & B. Brenner. "A Closer Look at Project Delivery Systems."PB Network, March. 2000. pp.10-13.
- [20] Ruben berrios and Josephine e. olson , counter trade as a form of debt payment, university of Pittsburgh for cied.
- [21] R. H. Arndt. "Is Build-Own-Operate-Transfer a Solution to Local Governments Infrastructure Funding Problems?"2002.
- [22] R. L. Hartje. "Design/Built at Risks." Orange, California, PB NetWork, March 2000.pp.47-48.
- [23] SYSTRA in BOT Project. "A new market for EngineeringCompanies." April 2004, Seoul.
- [24] Tamara milenkovic kercovic, drafting an international buy-back agreement, series: economics and organization, vol 2,n 2, 2004.